

## عدالت در نصوص شرعی

### معتبره عبدالله بن ابی یعفر

در نصوص معتبر دینی واژه‌های «عدالت»، «عدل»، «عدلین» مکرر به کار رفته است. لکن ظاهراً تنها نصی که به تفسیر عدالت پرداخته است روایت عبدالله بن ابی یعفر است؛ با این سند و متن:

«روی عن عبدالله بن أبی یعفر قال قلت لأبی عبدالله - علیه السلام - : بم تعرف عدالة الرجل بین المسلمین حتی تقبل شهادته لهم و علیهم؟ فقال : أن تعرفوه بالستر و العفاف و كف البطن و الفرج و اليد و اللسان و تعرف باجتناب الكبائر التي أوعده الله عزوجل علیها النار من شرب الخمر و الزنا و الربا و عقوق الوالدين و الفرار من الزحف و غیر ذلك و الدلالة علی ذلك كله أن يكون سائراً لجميع عیوبه حتی یحرم علی المسلمین ما وراء ذلك من عثراته و عیوبه و تفتیش ما وراء ذلك، و یجب علیهم تزکیته و إظهار عدالته فی الناس و یكون منه التعاهد للصلوات الخمس إذا واطب علیهن و حفظ مواقیتهن بحضور جماعة من المسلمین و أن لا یتخلف عن جماعتهم فی مصلاهم إلا من علة فإذا كان كذلك لازماً لمصلاه عند حضور الصلوات الخمس فإذا سئل عنه فی قبیلته و محلته قالوا : ما رأینا منه الا خیراً مواظباً علی الصلوات متعاهداً لأوقاتها فی مصلاه فان ذلك یجیز شهادته و عدالته بین المسلمین و ذلك أن الصلاة ستر و كفارة للذنوب و لیس یمکن الشهادة علی الرجل بأنه یصلی إذا كان لا یحضر مصلاه و یتعاهد جماعة المسلمین و إنما جعل الجماعة و الاجتماع الی الصلاة لکی یعرف من یصلی ممن لا یصلی و من یحفظ مواقیات الصلوات ممن یضیع و لو لا ذلك لم یمکن أحد أن یشهد علی آخر بصلاح لأن من لا یصلی لا صلاح له بین المسلمین فان رسول الله - صلی الله علیه و آله - هم بأن یحرق قوماً فی منازلهم لترکهم الحضور لجماعة المسلمین و قد كان منهم من یصلی فی بینه فلم یقبل منه ذلك و کیف تقبل شهادة أو عدالة بین المسلمین ممن جرى الحکم من الله عزوجل و من رسوله - صلی الله علیه و آله - فی الحرق فی جوف بینه النار و قد كان یقول رسول الله - صلی الله علیه و آله - : لا صلاة لمن لا یصلی فی المسجد مع المسلمین الا من علة».

روایت را شیخ صدوق با سندی که به جناب ابن ابی یعفر دارد در «کتاب من لایحضره الفقیه»<sup>1</sup> نقل کرده است. سند شیخ صدوق به ابن ابی یعفر مطابق مشیخه فقیه، به قرار ذیل است:

«و ما كان فيه عن عبدالله بن ابی یعفر فقد رویته عن احمد بن محمد بن یحیی العطار - رضی الله عنه - عن سعد بن عبدالله عن احمد بن ابی عبدالله البرقی عن ابیه عن محمد بن ابی عمیر عن حماد بن عثمان عن عبدالله بن ابی یعفر»<sup>2</sup>. سند معتبر است. در اعتبار روایت به دلیل اختلاف نظر در اعتبار احمد بن محمد بن یحیی العطار القمی، اختلاف است؛ هرچند تعبیر رایج از روایت تعبیر مقبره و صحیحه است.

1. ج 3، ص 34 و 35.

2. شرح مشیخه الفقیه، ص 12 و 13 (چاپ شده در آخر «کتاب من لایحضره الفقیه»).

### نقل معتبره با متن و سند دیگر

روایت را شیخ طوسی - البته با سند نامعتبر - با تفاوت هایی در متن روایت در کتاب خود آورده است.<sup>3</sup>

محدث بزرگ شیخ حر عاملی از نقل دوم این گونه یاد می کند :

«و رواه الشيخ بإسناده عن محمد بن احمد بن يحيى عن محمد بن موسى عن الحسن بن علي عن ابيه عن علي بن عقبة عن موسى بن أكيل النميري عن ابن أبي يعفور نحوه الا أنه أسقط قوله : فاذا كان كذلك لازما لمصلاّ - الى قوله : - و من يحفظ مواقيت الصلاة ممن يضيع، و أسقط قوله: فانّ رسول الله - صلى الله عليه و آله - : هم بان يحرق - الى قوله - : بين المسلمين، و زاد : و قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : لا غيبة الا لمن صلى في بيته و رغب عن جماعتنا و من رغب عن جماعة المسلمين و جب على المسلمين غيبته و سقطت بينهم عدالته و وجب هجرانه و إذا رفع الى امام المسلمين أنذره و حدّره فان حضر جماعة المسلمين و الا أحرق عليه بيته و من لزم جماعتهم حرمت عليهم غيبته و ثبتت عدالته بينهم».<sup>4</sup>

رفتارشناسی فقیهان در تعامل با معتبره ابن ابی یعفور و رمزگشایی از تفسیر عدالت به گونه موجود در متون فقهی

مقدمه : عدالت در لغت

عدالت در لغت به «میان‌ه‌روی در کارها، انصاف، استقامت و عدم اعوجاج، عدم ستم در داوری و مورد رضایت بودن، معنا شده است.<sup>5</sup>

واضح است که عادل به این معنا به کسی می‌گویند که صاحب طریقتی مستقیم است، هوی و هوس او را از اعتدال منصرف نمی‌کند. بر این بنیان عدالت معنایی نسبی پیدا می‌کند یعنی ممکن است شخصی از جهتی از عدالت برخوردار و از جهت دیگر فاقد آن باشد.

3. تهذیب الاحکام، ج 4، ص 272 و 273 (= ص 241).

4. وسائل الشیعة، ج 27، کتاب الشهادات، باب 41، ص 392، ح 2.

5. به متون لغوی مراجعه شود.